

کتاب الزکاة

زکات مال

زکات بر چه کسی واجب است؟(شرایط زکات دهنده)

انعام ثلاثة

تقدیر(طلا و نقره)

اموالی که زکات بر آن واجب است(نه چیز در سه دسته)

غلات اربعة(گندم،خرما،جو،کشمش)

شروط وجوب زکات در غلات اربعة

پرداخت زکات

زمان پرداخت زکات

مکان پرداخت زکات

اقوال در مسئله

بنابر نظر مشهور:زمان وجوب زکات هنگام انعقاد دانه و نمره و بدو صلاح است و زمان پرداخت هنگام صدق اسم پس زمان ایندو مفايرند

بنابر نظر غیر مشهور:زمان وجوب زکات و زمان پرداخت آن یکی است و آن هنگام صدق اسم است

عبارت شهید اول:زمان پرداخت زکات همان زمان وجوب زکات است

اشکال شهید ثانی: بنابر نظر مشهور و شهید اول زمان وجوب و زمان پرداخت متفاوتند و اجماعاً جائز است تأخیر زکات از وقت وجوب(زمان وجوب زکات بنابر قول مصنف و مشهور هنگام انعقاد دانه و نمره و بدو صلاح بود و در این هنگام امکان پرداخت زکات نیست چرا که هنوز دانه و میوه نرسیده اند) در حالی که بنابر نظر غیر مشهور زمان پرداخت و زمان وجوب یکی بود(و بنابر این دیدگاه تأخیر زکات از وقت وجوب جائز نیست) پس این عبارت مصنف مطابق دیدگاه غیر مشهور است

توجیح شهید ثانی: شاید مراد شهید اول از وقت وجوب در عبارت وقت اخراج باشد نه وقت وجوب پس معنای عبارت این می شود که جائز نیست تأخیر دفع و پرداخت زکات از وقت اخراج(چدا کردن دانه از کاه) و با این توجیه عبارت شهید اول یا مینایش سازگار خواهد بود چرا که بنابر قول مشهور تأخیر پرداخت از زمان وجوب جائز است اجماعاً اما تأخیر پرداخت از وقت اخراج جائز نیست

و التصوص بخلفة العدول، فبها ما يدل على الفورية في الإجماع كخير أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام (إذا أرت أن تعطى زكاتك قبل حلقها بشهر أو شهرين فلا بأس، و ليس لك أن تؤخرها بعد حلقها)منها ما يدل على جواز التأخير في الإجماع و كصحيح حماد بن عثمان عن أبي عبد الله عليه السلام (لا بأس بتعجيل الزكاة شهرين و تأخيرها شهرين)

الجميع بين الأختيار يقتضي جواز التأخير مع العزل .خصوصاً إذا كان التأخير لذی مزیة أو التماساً لمواضعها

حكم ضمان: لخبر ابن مسلم قال (سألت أبا عبد الله عليه السلام: رجل بعث بركاة ماله لتقسم فضاعت، هل عليه ضمانها حتى تقسم؟ فقال: إذا وجد لها موضعاً فلم يدفعها فهو لها ضامن حتى يدفعها، و إن لم يجد لها من يدفعها إليه فبعت بها إلى أهلها فليس عليه ضمان (لأنها قد خرجت من يده

حكم ضمان وكيل يا وصي: لتتمة خبر ابن مسلم المتقدم (و كذلك الوصي الذي يوصي إليه يكون ضامناً لما دفع إليه إذا وجد ربه الذي أمر بدفعه إليه، فإن لم يجد فليس عليه ضمان).

حكم تأخیر پرداخت زکات از زمان وجوب آن

فیه اقوال

شهید اول

در لبعه
تأخیر پرداخت بدون عذر جائز نیست و در صورت تأخیر صاحب مال(یا وكيل و وصی او) هم گناه کرده و هم در صورت تلف مال حتی بدون تعریض ضامن است اما تأخیر آن به دلیل عذری مانند ترس از ظالم و یا عدم مستحق جائز است

در دروس

تأخیر برای یاقین فقیر افضل یا برای یاقین تمامی گروه هایی که به آنها زکات تعلق می گیرد جائز است

در بیان

علاوه بر دلایلی که برای تأخیر در دروس بیان کرده اضافه کرده که تأخیر زکات برای رسیدن کسی که عادت به طلب زکات از او داشته جائز است(البته اگر به حد افعال نرسد)

قول دیگران و شهید ثانی

تأخیر تا یک ماه یا دو ماه جائز است مطلقاً چه به دلایل بیان شده یا بدون این دلایل به ویژه در صورتی که تأخیر مزیتی داشته باشد

حكم تعجيل در پرداخت زکات(پرداخت قبل از زمان وجوب)

قول اشهر(مشهور):جائز نیست تعجيل در پرداخت مگر به قصد قرض به فقير داده شود و در زمان وجوب نیت زکات کند و قرض او را بابت زکات او محاسبه کند البته به این شرط که هنوز استحقاق زکات را داشته باشد(هنوز فقير باشد)پس اگر قرض در زمان وجوب زکات به واسطه نمو زکات به هر شکلی غنی باشد دادن زکات به او جائز نیست البته اگر غنی شدن او به واسطه اصل مال یا به واسطه اصل و فرع مال هر دو باشد دادن زکات به او اشکالی ندارد

قول دیگر:جائز است

عن ابن أبي عمير و سائر جواز التقديم لصحبة حماد بن عثمان المتقدمة عن أبي عبد الله عليه السلام (لا بأس بتعجيل الزكاة شهرين و تأخيرها شهرين)

و لكن هذه الأختيار محمولة على التقية عند المشهور لموافقها العامة، أو على كون التقديم بعنوان القرض للجمع العرفي بينها و بين ما تقدم من الأخيان و يشهد لهذا الجمع خبر عقبة بن خالد

جائز نیست انتقال زکات از شهر مالک مگر اینکه در شهر مالک، مستحق نایاب باشد که در این صورت نقل زکات به شهر دیگر جائز است با رعایت الأقرب فالأقرب و اجرت نقل نیز به عهده مالک است(لأن الحمل مقدمة لتواجب فيجب جواهر)

على المشهور لصحيح عبد الكريم بن عتبة الهاشمي عن أبي عبد الله عليه السلام (كان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقسم صدقة أهل البوادي على أهل البوادي، و صدقة أهل الحضرة على أهل الحضرة)

ذهب جماعة إلى الجواز لصحيح هشام بن الحكم عن أبي عبد الله عليه السلام (في الرجل يعطي الزكاة يقسمها له أن يخرج الشيء منها من البلدة التي هو فيها إلى غيرها؟ قال: لا بأس) و منله غيره و هو الأقوي لكثرة أخباره، و الجميع بين الأختيار يقتضي جواز النقل على كراهة مع وجود المستحق، و يكون صاحب المال ضامناً لو تلفت

مع عدم وجوده فيجوز النقل بلا إشكال و لا خلاف، لخبر يعقوب بن شعيب الحداد عن العهد الصالح عليه السلام (قلت له: الرجل منا يكون في أرض منقطعة كيف يصنع بركاة ماله؟ قال: يضعها في أخوانه و أهل ولايته فقال: فإن لم يحضره منهم فيها أحد؟ قال: يبعت بها (إليهم)

در صورت تلف مال،مالک ضامن است

بلا خلاف لصحيح ابن مسلم (قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل بعث بركاة ماله لتقسم فضاعت، هل عليه ضمانها حتى تقسم؟ فقال عليه السلام: إذا وجد لها (موضعا فلم يدفعها إليه فهو لها ضامن حتى يدفعها

حكم نقل زکات به شهر غیر مالک با وجود فقير در شهر خودش

در اینکه گناهی مرتکب شده یا خير فيه قولان

قول اجود:گناهی مرتکب نشده به دلیل صحیح هشام از امام صادق علیه السلام

قول دیگر:گناه مرتکب شده

در اینکه زکات او مجزی و پذیرفته است یا خير فيه قولان

مجزی نیست به دلیل نهي از انتقال(نهي در عبادات موجب فساد است)

عن بعض العامة أنه لا يجزي لأنه دفعها إلى غير من أمر بالدفع إليه

و فيه إن النهي قد تعلق بجزء خارج عن حقيقة العبادة لأن الزكاة كعبادة هي الدفع إلى المستحق و النهي قد تعلق بالنقل

مجزی است

لخبر ابن مسلم المتقدم (فهو لها ضامن حتى يدفعها)

ذلك لصديق الامتثال الموجب للأجزاء